

بررسی عناصر داستانی در رمان داستان کوتاه «سالهای ابری»

حسین پیشگو^۱، احمد قویدل حیدری^۲

^۱ استادیار دانشگاه فرهنگیان پردیس مشهد مطهری (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش آموزش زبان فارسی (دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری زاهدان)

چکیده

ادبیات داستانی بخش مهمی از آثار ادبی است که تاکنون در کشور ما کمتر بررسی شده است. از میان این آثار، داستان‌های برجسته‌ای هستند که رنگ و بوی بومی و محلی دارند؛ یکی از این آثار رمان بلند سال‌های ابری اثر علی اشرف درویشیان است. این مقاله به بررسی عناصر داستانی رمان «سال‌های ابری» پرداخته است. در این اثر قواعد پرداخت شخصی ارائه طرح، حوادث، درونمایه و سایر عناصر، بدون در نظر گرفتن پاره‌ای سستی‌ها، بر مبنای درستی استوار است. مهم‌ترین عنصر داستانی این اثر «حادثه» است؛ اهمیت عنصر «درونمایه» نیز کمتر از حادثه نیست؛ چون تأثیر آن بر بسیاری از عناصر دیگر به خوبی مشهود است.

واژه‌های کلیدی: عناصر داستان، رمان، سال‌های ابری، علی اشرف درویشیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

داستان یکی از مهم ترین و مؤثرترین انواع ادبی جهان است که بررسی آن در کشور ما کمتر مورد اقبال واقع شده است. ادبیات داستانی می تواند رابطی صمیمی و آشنا برای ارائه نظرات نویسندگان و تشویق مخاطبان به اصلاح نگرش خود نسبت به زندگی و رخدادهای آن باشد. داستان نویسان برای بیان دیدگاه های خود ابزاری در دست دارند و هریک در استفاده از آن ها شگرد خاصی اتخاذ می کنند؛ بررسی و کشف شگردهای داستان نویسی و کیفیت کاربرد عناصر سازنده داستان سبب می شود خواننده دلایل اصلی التذاذ خود را از متن دقیق تر بفهمد. این گونه تحلیل ها همچنین به کسانی که علاقمند به نوشتن داستان هستند یاری می رساند تا به پختگی لازم در استفاده از شگردهای داستان نویسی و کاربرد عناصر سازنده یک داستان و نهایتاً به توفیق بیان افکار و ذهنیات خود دست یابند؛ هدف این مقاله نیز که موضوع آن «بررسی عناصر داستانی رمان سال های ابری» است، در این حوزه تأمین می شود. آنچه ضرورت چنین پژوهشی را توجیه می کند و در عین حال خود نیز یکی از دشواری های انجام این تحقیق است، عدم وجود منابع منسجم درباره نقد این اثر در حیطه تحلیل عناصر داستانی است. مطالب پراکنده ای در روزنامه ها و مجلات درباره این رمان یافت می شود که هیچ یک به طور مستقل به بررسی این اثر در این زمینه نپرداخته اند. در این مقاله ۱۰ عنصر داستانی «سال های ابری» بررسی و روش نویسنده در به کارگیری هر یک از عناصر شرح داده شده است. روش تحقیق، تحلیلی است و گردآوری اطلاعات از راه مطالعه دقیق متن رمان و بررسی آن با توجه به موضوع و پیشینه تحقیق انجام گرفته است.

۱- طرح :

شریف داوریشه فرزند اول خانواده ای فقیر در کرمانشاه است که خاطرات خود را از زمانی که کودک سه-چهار ساله ای است، به خاطر می آورد؛ از آن هنگام که فرزند سوم خانواده می خواهد قدم به دنیا بگذارد. آغاز داستان، تلاش مادری است برای به دنیا آوردن فرزندی دیگر در خانواده ای تهیدست و خرافاتی. این وضعیت از لابه لای حرف هایی که «ماما» و «بی بی» و اطرافیان مادر شریف به زبان می آورند، فهمیده می شود. شریف با مادر بزرگش، بی بی و یکی از دایی هایش به نام «سلیم» رابطه ای خوب و صمیمانه دارد. «بی بی» با پندهای مفید و به جا نقشی مهم در شکل گیری ت شریف ایفا می کند. همواره او را از گناه و اشتباه برحذر می دارد و به او شخصی یادآوری می کند چون در روز عزیز نیمه شعبان به دنیا آمده نباید، و نمی تواند مرتکب خطا شود. پدر شریف، «مشى بوچان»، یکی از صدها نمونه از افراد بیکاری است که قربانی اوضاع آشفته اقتصادی جامعه است. او شغل مشخصی ندارد؛ مدام از شاخه ای به شاخه ای می پرد و همیشه حقش را می خورند؛ اما شریف برخلاف پدر از همان کودکی تاب تحمل ظلم و تبعیض را ندارد و در برابر آن واکنش نشان می دهد. دوره کودکی و نوجوانی شریف سرشار از حوادث تلخی است که رویدادهای شیرین در برابر آن به چشم نمی آیند. اثاث کشی های مدام از خانه ای به خانه ای دیگر شریف را به مشاهده مردمی می کشاند که همچون خانواده اش اسیر رنج ها و ستم های نابرابری و فقر در جامعه اند. او با معرفی و توصیف اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این مردم می کوشد تا تصویری جامع تر از جامعه زمان خود به دست دهد. در جلد دوم داستان، از فصل «به سوی آینده»- که شریف در دوره نوجوانی به سر می برد- حضور مسائل سیاسی در داستان پررنگ می شود. دایی سلیم با تعریف اتفاقات کمپانی نفت در خانه و قرار دادن روزنامه ها و مجلات سیاسی در اختیار عد سیاسی شریف، او را با دنیای سیاست آشنا می کند. به این ترتیب وی در پرورش ت شریف تأثیر بسزایی دارد. حوادث و وقایع تاریخی، سیاسی کشورمان در شخصی طول داستان در حال اتفاقند؛ «صنعت نفت» ملی می شود

و شریف دست در دست دایمی سلیم شاهد این رویدادهاست. در جلسات مبارزاتی که دایمی سلیم در خانه برگزار می کند، شرکت می کند و حتی پس از آنکه دایمی سلیم اعتقادش را به حزب توده از دست می دهد، شریف به آن پایبند می ماند. هنگامی که پس از سال ها رنج نداری و کار همزمان با تحصیل، دوره دبیرستان را به پایان می رساند، وارد دانشسرا شده، پس از اتمام تحصیل در این مقطع به عنوان معلم به گیلان غرب منتقل می شود. پایان جلد دوم و آغاز جلد سوم نقطه عطفی در داستان زندگی شریف است. او از این پس با انبوهی از تجربه های سنگین و دشوار، عملاً وارد صحنه سیاست می شود. در روستاهای گیلان غرب و شاه آباد در برابر زورگویی خانان به روستاییان خاموش نمی ماند و به سبب مقاومت و عدم همکاری اش با عوامل جور، کارش به انتقال می کشد. در این سال ها به تحصیلات خود ادامه می دهد؛ در دانشگاه و سپس دانشسرای عالی در رشته های سیاسی ادامه می دهد و ادبیات فارسی پذیرفته می شود. او همچنان به فعالی سرانجام یک روز، که با دوستش در حال جمع آوری ضرب المثل ها و مثل های کردی در روستاهای کنگاور است، ساواک به آنان مشکوک می شود و دستگیرشان می کند. از این پس زندان جزو جدایی ناپذیر زندگی شریف است و او سال های بسیاری محبوس سلول های تاریک و دلپره آور آن می ماند. در مدت کوتاه آزادی اش با شهرناز، دختر دایمی حامد، ازدواج می کند و با کمک او به مبارزه در قالب چاپ اعلامیه در کتاب فروشی اش ادامه می دهد؛ اما به سبب خیانت شریکش، «جبوردادیان» دوباره دستگیر می شود. در دوره های حبس دردناک ترین شکنجه های جسمی و روحی را متحمل می شود. گاه به ورطه شک می افتد؛ اما با به خاطر آوردن رنج های مردم و از خودگذشتگی های مبارزان ملی، همچون یارمحمدخان و هم زمانی چون آقا مرتضی -که به او اعتقادی کامل دارد- به ادامه راه مصمم می شود و عقب نشینی نمی کند. شریف روز سوم آبان ۱۳۵۷، یعنی چند ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در پی فشارهای مردم به همراه عده ای دیگر از زندانیان سیاسی از زندان آزاد می شود. پایان رمان سال های ابری همچون آغازش نمایان کننده تولد فرزندی تازه است؛ تحولی بزرگ که حاصل سال ها درد و مصیبت و پایداری است. پایان داستان نقطه آغاز حوادثی جدید است که نویسنده ادامه آن را به ذهن خواننده واگذار می کند؛ بنابراین طرح داستان از نوع « طرح باز» است؛ یعنی نویسنده پایانی قطعی را برای آن ذکر نکرده است. از طرف دیگر توالی رویدادها هم در این رمان بر اساس ترتیب زمانی وقوع آن ها نیست و همین موارد بر جذابیت اثر افزوده است. مسائل اساسی طرح رمان از این قرارند.

۲- گره افکنی :

به لحاظ حوادث فراوان و متنوعی که در رمان سال های ابری اتفاق می افتد، نمی توان گره افکنی خاصی را در کلیت طرح ذکر کرد؛ اما با توجه به طرح های فرعی داستان، گره افکنی های متعددی را می توان نام برد. نخستین گره افکنی را در نخستین سطرهای این داستان می بینیم؛ آن هنگام که تصویر زنی، مادر شریف، در حال جیغ و فریاد و کشمکش با درد زایمان نمایش داده می شود، هرکس مشغول کاری است. دایمی سلیم روی پشت بام در حال دعا خواندن و شریف هم در حال یک کشمکش ذهنی با «آل»؛ شریف در ذهن خویش می هراسد که مبدا مادرش را از دست بدهد: نکند مادرم بمیرد!... ای خدایی که از آسمان هفتم هم بزرگتری... کاری بکن که مادرم نمیرد. (سال های ابری، ج ۱: ۱۴) این انتظار و تعلیق با شنیده شدن صدای وغ وغ بچه به نقطه اوج خود می رسد و این واقعه با تولد نوزاد به پایان می رسد. شروع داستان با چنین واقعه ای و با این خصوصیات، ذهن خواننده را از همان ابتدا با فضاهای بعدی داستان و بار مصائبی که بر آن سایه افکنده آشنا می کند. در واقع، گره افکنی این بخش می تواند این سؤال را در ذهن ایجاد کند که آیا شریف می تواند در چنین جامعه ای و باتوجه به توانایی های خود، حرف تازه ای برای گفتن داشته باشد؟ آیا می تواند از آغازگران عصری جدید با آینده ای روشن باشد و یا می تواند تحول و دگرگونی سازنده ای را سبب شود؟

۱-۲- تعلیق / هول و ولا

اگر بتوان این رمان را به موجودی جاندار تشبیه کرد، می توان گفت که سرتاسر اندام این جاندار به علت اصلی « فقر » و « نابرابری » در ابعاد گوناگونش، در حال رعشه است و معصومانه و مظلومانه در تب بسیاری از محرومیت ها در حال سوختن. اولین نشانه های این ترس و هراس را از راه آشنایی با زندگی یک خانواده^۱ تهیدست خانه به دوش - که دائما هم بر جمعیتشان افزوده می شود- می فهمیم خانواده ای که نمونه^۲ نوعی بسیاری از خانواده های ایرانی در آن دوره و همچون^۳ دیگران به بیچارگی هایی مبتلاست که تقریباً گریبان تمام جامعه^۴ آن ها را گرفته؛ اما بسیاری از صحنه های ملموس و محسوس این حالت شک و انتظار و اضطراب مربوط به بخش هایی است که شریف در زندان های مخوف پهلوی در حین بازجویی ها و شکنجه ها به سر می برد. این حالت زمانی به اوج خود می رسد که خواننده بی آنکه علت اصلی را بداند، صدای او را از درون سلول زندان می شنود .

۱-۳- کشمکش

اولین کشمکش که با ورود به داستان از آن آگاه می شویم، کشمکش شریف با موجودی خیالی به نام «آل» است. این کشمکش ذهنی در شریف با کشمکش مادر او و تلاش برای زایمان - که کشمکشی از نوع جسمانی است- همراه شده است . کشمکش شریف با «آل» در نخستین صحنه^۵ این رمان نشانه^۶ کشمکشی است که او در طول رمان با عوامل مختلف خواهد داشت؛ بنابراین کشمکش در این بخش به عنوان ابزاری برای ارایه^۷ فضای کلی اثر به کار گرفته شده است. در ادامه^۸ داستان های دیگر هم هستیم. این کشمکش ها شاهد کشمکش شریف با عوامل و شخصی انواع گوناگونی را در بر می گیرند؛ یعنی گاه ذهنی، گاه عاطفی و گاهی هم جسمی یا اخلاقی اند. به طور کلی، وجود چنین کشمکش هایی در ارتباط با شریف داوریشه به عنوان یک فرد مبارز همخوانی دارد.

۱-۴- بحران

در مجموعه^۹ رمان، لحظه های بحرانی فراوانند. فقر بیداد می کند و در بسیاری از لحظات امید به زندگی را از کف آدم های زجر کشیده^{۱۰} این داستان می رباید و نداری - که مهمان ناخوانده^{۱۱} بسیاری از خانه هاست- مسبب پریشان خاطری ها و حوادث تلخ بسیاری در این داستان می شود. بیماری، کوچک و بزرگ را در چنگال بی رحم خود اسیر کرده و بیماران در این جامعه^{۱۲} فقر زده امید چندانی به بهبود ندارند اصلی داستان، درکنگاور و بحران عمده^{۱۳} داستان با دستگیری شریف، شخصی به زندان افتادن وی اتفاق می افتد. نویسنده حدوداً سیصد صفحه به شرح جزئیات این مرحله از زندگی شریف اختصاص می دهد. شریف برای مدت کوتاهی آزاد می شود و پس از این زمان کوتاه، چند بار دیگر به زندان می افتد. با هر بار دستگیری وی، بحرانی تازه در داستان شکل می گیرد که خواننده را تا زمان گره گشایی برای خواندن اصلی مشتاق نگه می دارد. ادامه^{۱۴} داستان و آگاهی از سرانجام شخصیت اصلی مشتاق قرار می گیرد.

۱-۵- نقطه^{۱۵} اوج:

نقطه^{۱۶} اوج رمان سال های ابری به همراه اوج گرفتن مبارزات سیاسی مردم علیه رژیم شکل می گیرد. پس از رویداد خونین هفده شهریور ۱۳۵۷، فشار مردم بر حکومت پهلوی فزونی می یابد. زندانیان با شنیدن خبر کشتار فجیع مردم در میدان ژاله، دست به اعتصاب می زنند و در پی فشار مردم، درهای زندان به روی زندانیان سیاسی گشوده می شود .

۱-۶- گره گشایی :

شخصیت اصلی این رمان، شریف داویشه، پس از تحمل روزهای مشقت شخصی بار زندان و زجرهای جسمی و روحی، سرانجام در روز سوم آبان ۱۳۵۷ قدم به دنیای بیرون زندان می گذارد و آماده می شود تا شاهد حوادث و دگرگونی های پس از انقلاب ۵۷ باشد .

۲-حادثه

حادثه اصلی، با حکومت پهلوی است. این مبارزه حادثه اصلی، آغاز جدی شخصی با انتقال شریف به گیلان غرب و روستاهای اطراف به عنوان معلم عملاً آغاز می شود. نویسنده زمینه این حادثه را در ابتدای داستان و در فضایی سوررئال، یعنی هنگامی که شریف در ذهن خود با «آل» می جنگد، فراهم آورده است. وجود حوادث فرعی فراوان طبیعت، رمان است. در سال های ابری نیز حوادث فرعی بسیاری اتفاق می افتد که کارکرد اغلبشان تقویت درونمایه های رمان و بیان دیدگاه های نویسنده است.

غرض درویشیان از شرح خانه کشی خانواده شریف به کنار آبشوران، شرح محیط آلوده و نامناسب آن محله و وقوع سیل، اعتراض به مسئله فقر و بی خانمانی و تضاد طبقاتی در جامعه است. شریف بارها به حبس محکوم می شود و بارها تحت آزارهای جسمی و روحی قرار می گیرد. ضربان داستان در این قسمت ها مدام بالا و پایین می رود و حالت تعلیق و در نتیجه اشتیاق خواننده برای دانستن عاقبت ماجرا افزایش می یابد؛ درحالی که داستان « روند صعودی » خود را طی می کند، به جایی می رسد که مبارزات علیه حکومت بسیار فراگیر شده، اتفاقات حساس و مؤثری پشت سرهم به وقوع می پیوندد و روایت با اوج گرفتن انقلاب و ایستادگی مردم به «نقطه اوج» خود می رسد. نقطه اوج با فاصله کمی به « گره گشایی » داستان می انجامد؛ لحظه ای که به شریف خبر می دهند اسم او هم جزو لیست آزاد شدگان است، داستان « سیرنزولی » پیدا می کند تا آنکه به لحظه آخرین هول و ولا، یعنی آزادی شریف در روز سوم آبان ۱۳۵۷ می رسد.

۳-شخصیت و شخصیت پردازی:

در یک نگاه کلی، شخصیت های این رمان از دید شخصیت اصلی دو دسته اند های و شریف از آن ها با نام تارها و پودهای وجودش یاد می کند. نویسنده شخصیت اصلی رمان می گذرد داستان را با توجه به درونمایه های اثر و آنچه در ذهن شخصی و دغدغه فکری اوست، وارد داستان می کند. همین دغدغه های فکری توجه شریف را به قشرهای آسیب پذیر و فقیر جامعه معطوف می کند تا از رنج آدم هایی مثل خودش ت های رمان سال های ابری از میان افراد واقعی انتخاب شده اند سخن بگوید. شخصی و بهتر است بگوییم راوی به « معرفی » شخصیت ها می پردازد و خواننده پس از آشنایی با آن ها، اعمال و گفتارشان را، که مطابق با طبقه اجتماعی و مسائل مربوط به هر طبقه است، می پذیرد و شخصیت ها از این نظر، معمولی و مطابق واقعند. از نظر ثبوت و پایداری هم تقریباً تمام افراد داستان مطابق با اندیشه و باور خود پایداری در شخصی به زندگی نگاه می کنند و گفتار و کردارشان با فکر و فرهنگ و طبقه اجتماعی شان ت « دایمی سلیم » ظاهراً چنین ثبوتی در نوع تفکر و تناسب دارد؛ اما در شخصی گفتار دیده نمی شود. او به طرزى که نویسنده علتش را برای خواننده روشن ننموده، مسلک سیاسی گذشته خویش را یکباره به سوی می نهد و اعتقادش را به آن ها از دست می دهد

نویسنده به دنیای درونی بسیاری از شخصیت‌های داستانش کاری ندارد. شخصیت اصلی داستان فقط اعمال و گفتار آن‌ها را روایت می‌کند. به نظر می‌رسد شخصیت‌های این داستان منطقی است؛ روش نویسنده یعنی «معرفی» دسته‌ای از شخصی چراکه این کار برای پرداخت موضوع داستان و انتقاد ضمنی به فقر، وضعیت نامناسب معیشت مردم و خفقان و بی‌کفایتی مسئولان جامعه است. با انتخاب افرادی از طبقه محروم جامعه و توصیف ظواهر زندگی و مشکلات آن‌ها، خواننده خود به حکایت ناگفته و دردناک تر باطن معیشت این طبقه هم پی می‌برد. هر انسان آگاهی می‌داند محرومیت از حداقل امکانات رفاهی برای گذران زندگی سبب بروز پیامدهای وحشتناک تر و عمیق تری بر روح و جسم و سرنوشت آدمی خواهد شد.

شخصیت‌های اصلی داستان - که شریف در مرکز آن‌ها قرار دارد - در مورد شخصی نویسنده به دنیای ذهنی و باورهای آن‌ها هم وارد شده و از راه‌های مختلف، ماهیت پدر و مادر شریف، مشی بوچان و درونی آن‌ها را آشکار ساخته است؛ مثلاً شخصیت‌هایی چون شریف، ننه، ننه، را از راه گفت و گوها و اعمالشان می‌شناساند. شخصی زاری و بوچان، بی‌بی و عمو الفت برای نویسنده کاملاً شناخته شده‌اند و نویسنده زیرت آن‌ها را چنان که انتظار و بم کنش و واکنش‌های آنان را به خوبی می‌داند و شخصی می‌رود نمایش می‌دهد

اصلی‌ترین شخصیت‌های رمان سال‌های ابری از این قرارند: شریف، بی‌بی، اصلی‌ترین شخصی دایی سلیم، زاری (زهره) و مشی بوچان

۳-۱- شخصیت پردازی و شخصیت اصلی (شریف):

شخصیت پردازی این رمان به طور عمده بر «شریف داوریشه» متمرکز شده شخصی است. شریف به گونه‌ای غیر مستقیم با شروع داستان و از راه گزارشی که از محیط اطرافش ارائه می‌دهد، به داستان وارد می‌شود. نویسنده در ابتدای داستان به خوبی از عهده معرفی حالات و افکار شریف برآمده است. طرز حرف زدن و پرسش‌های بچگانه‌ای که او از بی‌بی می‌پرسد، به گونه‌ای دلچسب حس‌آشنایی با کودکی شیرین زبان را در خواننده ایجاد می‌کند. وقتی بی‌بی درباره شوهر اولش برای شریف حرف می‌زند می‌گوید:

شوهر اولم یعنی پدر اصلی مادر تو راننده است، اهل عراق. از کاظمین که می‌آمد بروند تهران. در کرمانشاه مرا دید و گرفت.

- با تله تو را گرفت بی‌بی جان؟

نه جانم. تله اش کجا بود. مرا گرفت؛ یعنی با من عروسی کرد؛ اما من خیلی کوچک بودم. (سال‌های ابری، ج ۱: ۲۸)

شریف کودکی دلسوز و مهربان، ریزبین و نازک طبع است. نوع تصور او از اتفاقات ساده نیز حساسیت شخصیت وی را از همان کودکی نشان می‌دهد. شریف شخصیتی پرسشگر و کنجکاو دارد. کودکی است که همچون بسیاری از همسالانش شخصی که در جامعه او زندگی می‌کنند، بسیار زودتر از زمان معمول مسئولیت نان‌آوری بر شانه اش گذاشته می‌شود. او با گام نهادن در دنیای بیرون از خانه و تماس بیشتر با حقایق زندگی، دردها و رنج‌های مردمش را بیش از پیش لمس می‌کند. گرچه فرزند پدری مبارز نیست، هرگاه از سرگذشت یکی از قهرمانان ملی مطلع می‌شود، خود را فرزند او می‌خواند. در خانه‌ای رشد می‌کند که دایی‌های نوجوانش هر کدام یک مشی سیاسی را برگزیده‌اند. در خانه دائم میان دایی‌ها جدال است. دایی حامد، طرفدار دکتر مصدق و دایی سلیم، طرفدار «حزب توده». شریف با تأثیرپذیری و پیروی از دایی سلیم وی اعتماد دارد، تفکر او را می‌پذیرد؛ بدین طریق او در سن سلیم، که به شخصی یازده - دوازده سالگی با سیاست آشنا می‌شود، به حزب توده گرایش

گراست و معقول می اندیشد؛ مثلاً دربارهٔ به مدرسه رفتن فرزندانش؛ اما او نیز همچون بسیاری دیگر اسیر خرافات است. در مجموع، نویسنده چهره ای فداکار و مظلوم از مادر نشان داده است. خواننده در داستان شخصیت ننه زاری را از طریق اعمال و گفتارش و یا از میان سخنان شریف می شناسیم.

۳-۳- شخصیت پردازی بی بی:

«بی بی» پس از شریف، مهم ترین شخصیت اصلی داستان است. شخصیت بی بی از حیث تأثیری که بر شخصیت اصلی داستان می گذارد قابل توجه است او حاصل تجربه های خود را از زندگی به شیوه ای اثربخش و در موقعیت های مناسب در اختیار شریف می گذارد. با نشان دادن نمونه های عینی و آدم هایی که از راه بالا کشیدن حقوق دیگران به نان و نوایی رسیده اند و در مقابل آن ها قشر فقیری که به حقشان اجحاف شده، او را از حقایق تلخ اجتماع اطرافش آگاه می کند و با تشویق او به حفظ شرافت و انسانیت، سرمایه ارزشمندی از فضایل اخلاقی را در نهاد او به یادگار می گذارد که تأت اصلی قرار می گیرند و اطمینان وی سال های سال این ارزش ها مبنای عمل شخصی تی مذهبی را به راهی که برگزیده و پایداری در آن راه را قوت می بخشند. بی بی شخصی دارد و شریف را هم به پیروی از احکام دین و باورهای اعتقادی تشویق می کند؛ اما مذهبی که او پذیرفته آمیخته با خرافات است. در مجموع شخصیت بی بی به عنوان مادر بزرگی مهربان، به راحتی با خواننده رابطه برقرار می کند؛ چرا که شخصیت او آنچنان که باید صمیمانه پرداخته شده است. توجه بی بی به شریف، نوه اش، بیشتر از توجه او به پسرانش حامد و سلیم است. او هرگز به طور مستقیم در امور آن ها دخالت نمی کند و نسبت به اعتقادات و مرام سیاسی شان مخالفتی ندارد. حتی زمانی که سلیم پس از دزدیدن یک کلنگ از کمپانی نفت و احتمال اخراجش، تصمیم می گیرد تریاک بخورد و خودکشی کند، مانع او نمی شود و غمزده در انتظار عاقبت کار می نشیند. شخصیت پذیرش چنین واکنشی از سوی بی بی برای خواننده دشوار است؛ چون از شخصی سنتی و قدیمی اش انتظار چنین عمل روشنفکرانه ای نمی رود. همین کارهای بی بی سبب می شود شخصیت او از حالت تیپیک دور شده، «فردیت» در آن تجسم بیشتری بیاید؛ خصوصیتی که از ویژگی های «شخصیت» در رمان است.

۳-۴- شخصیت پردازی مشی بوچان:

آنچه در وهلهٔ اول در مورد شخصیت پدر شریف، بوچان داور پیشه، برجسته تر به نظر می رسد این است که او اغلب در سخت ترین وضعیت های زندگی در کنار همسر و فرزندانش نیست. در ادامهٔ این معرفی و پیش از آنکه او را وارد داستان کند، این عبارت را می گوید:

بشیر پنج ماهه شده است. بابام از در حصار تو می آید. (همان، ج ۱: ۳۲)

نمی خواهیم بگوییم او نسبت به خانواده اش بی اعتناست و برای کسب روزی تلاش نمی کند یا در برابر نابسامانی های اقتصادی جامعه آسیب ناپذیر نیست؛ اما عدم تصمیم گیری عاقلانه و مدام از شاخه ای به شاخهٔ دیگر پریدن، پذیرش جبری سرنوشت و ظلم و سکوت در برابر آن ها که حقش را می خورند، به وضوح در اعمال او دیده می شود. تصویر تیرهٔ شریف از پدرش را از این تشبیه در می یابیم:

شب، سنگین و بی حال، مثل بابام از راه می رسد. شب سرفه می کند، آه می کشد و می نشیند تو اتاق. (همان، ج ۱: ۵۰۲)

شخصیتی که نویسنده از پدر، بوچان، نشان می دهد، شخصی شخصی منفعل، بی تدبیر و خشن که به جای ماندن و مبارزه با دشواری ها، ترک خانواده و ت بوچان از خزیدن در گوشه ای و زندگی درویشی را تنها راه چاره می بیند. شخصی راه گفتگوها و اعمالش پرداخته شده است.

۵-۳- شخصیت پردازی دایی سلیم:

«سلیم» دایی کوچک راوی است، که به هنگام ورود به داستان یازده سال دارد. او نیز از جمله آدم هایی است که بسیار زودتر از آنچه باید با بی رحمی ها و مشقات زندگی روبه رو می شود. اغلب سخنان او حول محور ظلم ظالمان خودی و بیگانه و بدبختی های مردم طبقه فرودست و مبارزه می چرخد. سلیم با تکرار چنین مطالبی در خانه و بیان اخبار کمپانی برای شریف، موجب آشنایی شریف با دنیای سیاست و مبارزه می شود

«سلیم» نمونه نوعی وطن پرستان و مخالفان بیگانگان غارتگری است که شیرۀ جان مملکت ما را می مکند و یکی از مسببان اصلی فقر در جامعه ایرانند. زندگی سیاسی سلیم را به چهار دوره می توان تقسیم کرد: دوره اول که دوره کار در کمپانی، شرکت در اعتصابات به همراه دیگر کارگران و دزدی از کمپانی یعنی نوعی مبارزه منفی است. دوره دوم، زمانی است که سلیم وارد « حزب توده » شده، عقاید کمونیستی را می پذیرد. دوره سوم، دوره ای است که پس از مدت ها جانبداری از حزب توده، با از هم پاشیده شدن این حزب، باورهای پیشین را کنار می گذارد و در امور سیاسی دخالتی نمی کند. پس از این دوره ناامیدی و سرخوردگی از حزب توده، تحولی تی غیر منتظره از او می بینیم؛ سلیم در چهارمین دوره از زندگی اش تبدیل به شخصی « مذهبی » می شود و امام خمینی (ره) را به عنوان تنها پیشوایی که می تواند مردم و کشور را رهایی بخشد، می پذیرد. با آنکه سلیم بعدها می گوید:

تا این دست ها با من است مبارزه هم هست؛

اما پس از انحلال حزب توده عملاً شاهد هیچ گونه مبارزه سیاسی از او نیستیم. این تناقض در گفتار و عملکرد سلیم برای خواننده قابل پذیرش نیست؛ چراکه پس تی تقریباً خاموش می شود و به از بیرون آمدن از حزب توده، سلیم تبدیل به شخصی گوشه ای عقب می نشیند و هرازگاهی با حضوری کم رنگ، به عنوان « دایی » شریف، تی تک بعدی، که همیشه نصیحتی در مورد نماز و روزه بر زبان دارد، آن هم با شخصی در داستان دیده می شود؛ بنابراین می توان گفت که او در نیمه نخست زندگی اش با تی پویا معرفی می شود و در نیمه بعد اگر چه راهی جدید بر می گزیند، راوی، شخصی اطلاعات چندانی در مورد او و سرانجام جانبداری اش از نیروهای مذهبی و احیاناً تی ت هایش به دست نمی دهد و این امر سبب می شود تا در نیمه دوم، شخصی فعالی ایستا جلوه کند. نویسنده در خلق بخشی از شخصی ت کرده و جنبه های رفتاری دیگر را هم با نمایش اعمال وی نشان داده است. شخصی ت اصلی داستان بوده و در جهت دهی وی از لحاظ اینکه نخستین معلم سیاسی شخصی فکری او نقش مهمی داشته، حائز اهمیت است.

۴- موضوع:

موضوع اصلی رمان سال های ابری « فقر اقتصادی » است و این علت عمده، معلول مهمی همچون مبارزه علیه حکومت وقت را به دنبال دارد که جدی ترین شکل این مبارزه، مبارزه سیاسی برای براندازی حکومت جور است. رمان سال های ابری براساس

مکتب «رنالیسم» یا «واقع گرایی» نوشته شده و روایت آن «بازنمایی» زندگی واقعی انسان هاست به منظور انتقاد از نابرابری و فقر و ذکر پیامدهای ناگوار آن در جوامع.

نویسنده معتقد است که هنرمند و نویسنده کسی است که با شاخک های حساسش، نابسامانی ها و انحراف ها و عمق آشفتنگی های اجتماعی را درک می کند و به خاطر حس مسئولیتش، این انحراف و ابتذال ها را در آثارش تصویر می کند و به مردم نشان می دهد.» (بازن ۲)

رمان سال های ابری جزو دسته رمان های اجتماعی- سیاسی است و نویسنده، موضوعات فرعی (درونمایه ها) اثر را در همین حوزه انتخاب کرده و پرداخته است. چنان که خود نویسنده در ادامه می گوید:

در زمینه نقد، اغلب به مبانی نقد جامعه شناختی اعتقاد دارم و بیشترین توجهم به رابطه زنده و جدایی ناپذیر جامعه و هنرمند و برداشت هنرمند از محیط اوست و عقیده دارم که برای ارزیابی یک اثر، ملاک و معیاری جز نفس واقعیت زندگی وجود ندارد. (همان، ۳) عناصر دیگر رمان همچون فضا سازی ها، صحنه ها و نمادها نیز برای بیان موضوع رمان به کار گرفته شده اند؛ مثلا فضا سازی های مناسب و اثربخش داستان از زندان های مخوف پهلوی و شیوه های شکنجه ساواک، سفاکی رژیم و مظلومیت مردان مبارز میهنمان را به شکلی جاندار در برابر چشم مجسم می کند. نمادهای رمان هم متناسب با موضوع، انتخاب شده اند؛ برای نمونه در نامه ای که شریف در روزهای نزدیک انقلاب برای همسرش، شهرناز، می نویسد چنین می خوانیم: آسمان آرام است. ستاره ها تلاش می کنند که تاریکی را بشکنند. (سال های ابری، ج ۴: ۱۶۴)

که از این جمله مفهوم تلاش مبارزان برای غلبه بر رژیم شاهنشاهی و پایان یافتن تیره بختی های مردم فهمیده می شود. موضوع رمان سال های ابری از آنجا که برگرفته از واقعیت های اجتماعی، سیاسی و تاریخی ایران با تأکید بر یک برهه سرنوشت ساز در تاریخ معاصر ایران است، موضوع با اهمیت و تازه ای است.

۵- درونمایه :

«سال های ابری» جزو دسته رمان های «اجتماعی- سیاسی» است و حول محور یک اندیشه مرکزی یا همان موضوع یعنی فقر اقتصادی نوشته شده است. هر داستانی با توجه به موضوعش درونمایه یا درونمایه هایی دارد که کارکرد آن ها پرورش بهتر موضوع است.

برای بررسی درونمایه های این اثر بهتر است آن ها را در سه دسته کلی بررسی کنیم:

۱- درونمایه های اجتماعی. ۲- درونمایه های سیاسی. ۳- درونمایه های تاریخی.

۵-۱- درونمایه های اجتماعی:

«فقر اقتصادی» از درونمایه های مهم اجتماعی رمان و معلول سیاست غلط سردمداران حکومت در اداره امور مملکت است. همین فقر اقتصادی مسبب اصلی «فقر فرهنگی» در جامعه می شود و این درونمایه نیز در داستان به شکل بازتاب خرافات و باورهای بی اساس ظهور یافته است؛ خرافاتی که مردم را اسیر خوش باوری و توجیحات نابه جا کرده و با ایجاد روحیه «جبرگرایی» سبب شده است تا عده ای برای ایستادگی در برابر ستم و حرف زور، انگیزه خود را از دست بدهند. از درونمایه های اجتماعی دیگر اثر، اشاره به «کمبود بهداشت» است. نابهنجاری دیگری که بر اثر نظام اقتصادی نابسامان جامعه پدید

می‌آید « شکاف طبقاتی » و آزاد گذاشتن سرمایه داران معدودی است که با کسب درآمد از راه‌های نامشروع و خوردن حق ضعیف‌تر، روز به روز بر دارایی خویش می‌افزایند و به فاصله طبقاتی دامن می‌زنند. درونمایه سال‌های ابری از حیث اشاره به « باورها و آداب و رسوم بومی » نیز قابل توجه است. از درونمایه‌های بسیار مهم دیگر داستان که در این دسته جای می‌گیرد، و در حقیقت تلاش‌های مبارزاتی و سیاسی ریشه در آن دارد، « وطن پرستی و عشق به مردم » است این رمان درونمایه « دینی و مذهبی » هم دارد؛ اما مذهبی آمیخته به خرافات و منفعل و تقریباً خاموش در برابر اجحاف. مذهبی که آدم‌هایی مثل بوچان و عمو الفت بدان‌ها « را در اوضاع پریشانی بهترین معتقدند، دین منهای جهاد و مبارزه با ظلم است و « تقیه » را در اوضاع پریشانی بهترین روش می‌داند.

۵-۲- درونمایه‌های سیاسی:

صحنه اول داستان یعنی جدال شریف با آل و مادر با درد زایمان، صحنه عد سیاسی رمان را نشان می‌دهد. « شریف داویش به « که تا پایان رمان نمادینی است که ب در نقش مبارز سیاسی باقی می‌ماند، خود را در مقابل « آلی » می‌بیند که ناگزیر از جنگیدن با اوست.

مشی بوچان و عمو الفت هر یک با نقل سرگذشت مردان مبارز این آب و خاک همچون « یارمحمدخان » و « داویش به » پدر بزرگ شریف، و نیز گه‌گاه با شکایاتی از عد مشکلات معیشتی و یا دخالت اجانب در امور مملکت، به پیشبرد داستان در ب سیاسی یاری می‌رسانند. شریف هم از راه جدال‌های سیاسی دایی‌هایش و تعاریف دایی سلیم از مسائل سیاسی، با « سیاست » آشنا می‌شود. از طریق این گفت‌وگوها ما با دو حزب « توده » و « جبهه ملی » یا « پان ایرانیسم » هم به طور گذرا آشنایی پیدا می‌کنیم؛ به طور کلی سال‌های ابری، زمانی است که جنبه‌های سیاسی در آن بسیار قوی است و واقعیت‌های اجتماعی هم در آن کارکردی سیاسی پیدا می‌کنند. از درونمایه‌های سیاسی دیگر اشاره به خفقان و شکنجه و اعدام و از سوی دیگر بیان خوش‌گذرانی‌های شخص اول مملکت در شرایطی است که طعم تلخ زندگی دشوار در کام مردم آن‌ها را می‌آزارد.

۵-۳- درونمایه‌های تاریخی:

باتوجه به تعریف رمان تاریخی، باتوجه به تعریف رمان تاریخی، سال‌های ابری سال‌های ابری را نمی‌توان رمانی « تاریخی » به شمار آورد؛ اما توجه به قسمت‌هایی از تاریخ و نقل حوادث، آن را به « رمان تاریخی » پیوند می‌زند شخصیت تاریخی در رمان سال‌های ابری نقش اساسی در پیشبرد پیوند می‌زند. شخصی داستان ندارند و فقط با نام و یا یادی از آن‌ها و اعمالشان سر و کار داریم. اشاره به بخش‌های تاریخی همچون رشادت‌های یارمحمدخان در جریان مشروطه یا نقل بی‌بی از دوران قحطی در زمان احمدشاه برپایه مستندات تاریخی نیست و فقط در حد خاطره دوری است که در ذهن گوینده آن برجای مانده است. از قسمت‌های تاریخی دیگر، شرح سرگذشت « داویش به » از زبان پسرش « مشی بوچان » است، که موضوع آن یعنی قصه ارباب و رعیت و زورگویی‌های بر روستائیان، مشکلی است که ریشه‌ت در تاریخ کشورمان دارد. کارکرد این بخش‌های تاریخی در جهت تکوین شخصی‌تی همه جانبه و آگاه اصلی رمان است؛ به این معنا که اگر نویسنده قصد ارائه شخصی از یک مبارز سیاسی را داشته باشد باید او را فردی مطلع از تاریخ میهن خویش نشان دهد؛ اما تاریخی که شریف می‌گوید کامل و همه جانبه نیست؛ فقط وقایع مربوط به کرمانشاه و چیزهایی است که از اطرافیان و رادیو و روزنامه از آن‌ها آگاهی پیدا می‌

کند؛ وقایعی مثل ملی شدن صنعت نفت، سی ام تیر ۱۳۳۱، ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ را به طور سطحی و گذرا مطرح می کند بی آنکه حوادث را بسط دهد و به جزئیات آن بپردازد.

۶- زاویه دید :

زاویه دید سال های ابری از نوع زاویه دید درونی است و از دید اول شخص روایت می شود. راوی این رمان، شریف داوریسه است که داستان زندگی خود را از زمانی که کودکی سه- چهار ساله است تا سنین میانسالی تعریف می کند. زاویه دید اول شخص مزایا و معایبی دارد؛ از مزایای آن می توان به تأثیر مثبت این زاویه دید بر بیان صمیمی اثر اشاره کرد؛ از سوی دیگر، باتوجه به اهمیت درونمایه های اثر و اندیشه های ذهنی نویسنده، انتخاب چنین زاویه دیدی برای ارائه بهتر آن افکار و عقاید مناسب به نظر می رسد. معایب زاویه دید اول شخص یکی آن است که راوی ت های دیگر تسلط ندارد؛ اما نویسنده توانسته این عیب را بر محتویات فکری شخصی از راه وادار کردن شخصیت ها به بروز درونیات خود از طریق گفتار و کردار برطرف کند؛ اما زاویه دید رمان گاه از حد اول شخص فراتر رفته و به «دانای کل» نزدیک می شود. این، زمانی است که راوی به بیان وقایعی می پردازد که خود شاهد چگونگی انجام گرفتن آنها نبوده است؛ برای نمونه در فصل «خاله چشمه» داستان ازدواج خاله چشمه (نازکا) با چشمه خشک از دید دانای کل روایت می شود. آنجا که راوی به ثبت گفت و گوها و عقاید سیاسی و صحنه ها در ذهن خویش می پردازد به «زاویه دید نمایشی» نزدیک می شود

۷- صحنه و صحنه پردازی :

زمان کلی وقایع داستان بین سال های ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ است و مکان اولیه رخدادها هم شهر کرمانشاه است که در طول داستان انتقال شریف به عنوان معلم به گیلان غرب و شاه آباد غرب (اسلام آباد کنونی) و بعدها مهاجرت چند ساله و یا حبس در تهران موجب تغییر و جابه جایی مکان در این داستان می شود.

مکان: مکان این داستان که با توصیف دقیق اشیا و لوازم موجود در آن صحنه ارائه می شود، خانه ای است قدیمی با اتاق ها و مستأجران بسیار که در «کوچه آمد طاهر» در کرمانشاه واقع شده است. نخستین صحنه هر داستان وارد کردن خواننده به دنیای داستان و جذب مخاطب از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ درباره رمان سال های ابری نیز باید گفت این صحنه سازی با موفقیت صورت گرفته است و نویسنده از همان ابتدا، خواننده را از وضعیت محیط زندگی شخصیت های اصلی، باورهای خرافی و مذهبی آن ها آگاه کرده و این کار را از راه گفت و گوها، اعمال و توصیف لوازم خانه ترتیب داده است. مکان های دیگر این رمان، خانه های متعددی است که شریف و خانواده اش به آنجا اثاث کشی می کنند. این جابه جایی ها که در وقایع جلد اول و دوم رمان انجام می شوند، آنقدر حائز اهمیتند که نام فصل های متعددی از این دو جلد برابر خانه و یا محله جدیدی است که خانواده شریف به آن نقل مکان می کنند؛ مثلاً «خانه کوچک»، «بیخ کوچه سرتیپ»، «لب آبشوران»، «خانه عمو علی بقال» و «تکیه» هر یک نام یکی از فصل های رمانند. هدف نویسنده از بردن کوچه به کوچه و محل ه به محله راوی این است که اوضاع معیشتی مردم و مشکلات اجتماعی آنها را نشان دهد. راوی در توصیف مکان ها موفق عمل می کند. یکی از مکان هایی که به خوبی توصیف شده است، صحنه کوه های قلاجه و درگیری سربازان ایرانی با انگلیسی هاست؛ صحنه ای که جوانان ایرانی را کشته یا زخمی، رها شده در دامنه قلاجه نشان می دهد و خانواده هایی را که شیون کنان در جستجوی عزیزان از کوه بالا می روند؛ چون روایت داستان متعلق به افراد تهیدست و ندار است، صحنه های با شکوه و پر رونق تک و توک در آن وجود

دارد. هدف ثانوی و مهم نویسنده در توصیف صحنه‌ها القا و تقویت درونمایه داستان و ارائه فضای مکان‌ها و رویدادهاست. شیوه صحنه‌پردازی داستان، تلفیقی از توصیف، گفت‌وگو و تداعی خاطرات است. هنر نویسنده در توصیف صحنه‌ها بیشتر هنگامی است که دو صحنه متفاوت را که از نظر مفهومی ربطی نمادین با هم دارند، به طور «موازی» و یا در کنار هم تصویر می‌کند. این صحنه‌های همراه، عموماً صحنه‌هایی از طبیعت هستند و یا صحنه‌هایی هستند که نویسنده با اصوات می‌سازد و قصد بیان مفهومی ذهنی را از ایجاد آن دارد. گاه هم صحنه، کارکردی در مقدمه‌چینی برای رخدادهای آینده پیدا می‌کند. صبح روزی که قرار است بین طرفداران مصدق و قوام درگیری پیش بیاید و عده‌ای کشته شوند، راوی صحنه طبیعت را چنین توصیف می‌کند:

ستاره سرخ سپیده دم به وسط آسمان رسیده است. مدتی است بیدارم. هوا پر از همه‌همه است. وضع مثل هر روز عادی نیست. (همان، ج ۲: ۶۵۸)

زمان: زمان کلی حوادث بین سال‌های ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۵۷ است. گذشت زمان در رمان محسوس نیست؛ چون سن شخصیت‌ها را نمی‌دانیم. گذشت سال و ماه را گاهی از روی خانه‌کشی‌ها و مدرسه رفتن بچه‌ها می‌فهمیم. زمان در اوایل رمان دیرتر می‌گذرد. این روند مخصوصاً در اواخر رمان یعنی روزهای زندان که تکراری و کسالت‌آورند سریع‌تر می‌شود. عدم اطلاع خواننده از زمان دقیق رویدادها او را دچار سرگردانی می‌کند. زمان در این رمان گاه از سیرخطی خود خارج می‌شود و سیر عرضی می‌پیماید و این هنگامی رخ می‌دهد که خاطراتی در ذهن راوی تداعی می‌شوند. بیشترین بازگشت از زمان حال به گذشته را در جلد چهارم، فصل اول (نبض زنجیر) می‌بینیم؛ آنجا که شریف برای اولین بار به زندان افتاده است. او شرح واقعه، علت دستگیری و چگونگی آشنایی خود با خداکرم، دوستش، را که به همراه او دستگیر شده با بازگشت به عقب به اطلاع خواننده می‌رساند

۸- گفت‌وگو:

معرفی شخصیت‌ها و نشان دادن درونیات و افکارشان از طریق این عنصر انجام می‌پذیرد. گفت‌وگوی راوی و بی‌بی در همان ابتدای رمان شرایط محیط زندگی، باورها و رسوم مردم آن طبقه را نشان می‌دهد. سپس از طریق همین عنصر (گفت‌وگو) درباره قهرمانان ملی و مبارز و درگیری‌های لفظی دایی سلیم و دایی حامد و بحث اعضای خانواده درباره مسائل جاری روز به دیدگاه‌ها و عقاید سیاسی افراد خانواده پی می‌بریم.

گفت‌وگوها در پیشبرد حوادث داستان هم دخیلند و به شخصیت‌پردازی آدم‌ها نیز یاری می‌رسانند. گفت‌وگوی شخصیت‌ها مطابق با روحیات، افکار و طبقه اجتماعی آن‌هاست. گفت‌وگوها در جلد‌های اول و دوم رمان با توجه به درونمایه‌های مطرح شده بیشتر درباره فقر، بیماری و سیاست غلط اداره کشور است.

گفت‌وگوهای درونی و حدیث نفس نیز در این رمان جایگاه ویژه‌ای دارند و حجم نسبتاً قابل توجهی از رمان به آن‌ها اختصاص یافته است. این نوع گفت‌وگوها از گفت‌وگوهای بسیار قوی‌رمانند که به خوبی محتوای فکری، تمایلات، ارزش‌ها و دغدغه‌های شخصیت اصلی را نشان داده است و از این طریق به شخصیت‌پردازی او یاری می‌رسانند.

۹-فضا و رنگ / حال و هوا :

فضای عمومی رمان، همان گونه که نامش از پیش، آن را به خواننده القا می کند، ابری و تیره است؛ فضاهای رمان سال های ابری فضای غم و اندوه، تردید و ناامیدی، رعب و ناامنی و در مواردی هم فضای خنده آور است .

عوامل مختلفی در فضاسازی های این رمان دخیلند. یکی از این عوامل، توصیف و صحنه پردازی است. روش نویسندگان در این بخش ها جزئی نگری، توجه به حالات درونی شخصیت ها و همراه کردن این حالات با وضعیت دنیای خارج از ذهن، به ویژه وصف طبیعت است. توصیف طبیعت نیز ابزار قدرتمندی در دستان نویسندگان برای کمک به ساختن حال و هوای بسیاری از صحنه هاست. توصیفی که شریف از طبیعت پس از اعدام یک محکوم و دیدن آثار خون برجای مانده از او روی زمین ارائه می دهد، فضای بی رحم و رعب آور حاکم بر زندان را به خوبی می رساند:

آفتاب زرنیخی روی لبه دیوار پرپر می زند و می میرد. تکه ابر چرکی وسط آسمان بند آویزان شده است. (همان، ج ۴: ۱۳۷)

از دیگر ابزارهای فضاسازی در این اثر کاربرد نمادها حین توصیف است. در نمونه زیر «شب» فضای خفقان زندان را بهتر نشان می دهد.

بیرون از توری فلزی و میله ها، شب، سیاه و بدهیبت نشسته است. شب در عمق نان های خشک و در ته کاسه های رویین، ماسیده است. (همان، ج ۴: ۱۴۵)

در اثنای رویدادها گه گذار صدای ترانه و اشعاری به گوش می رسد که هدف از کاربرد آن کمک به فضاسازی است. آنجا که شریف به یاد گیسیا، به همراه آحسین روی سکوی پشت در خانه گیسیا فلوت می زند، یکی از این صحنه هاست. فضاسازی های قابل توجه و هنرمندانه ای نیز با استفاده از اصوات ترتیب داده شده است که اغلب موازی با وقایع در حال اتفاق، تکرار می شوند. تک و تنها در ایوان مدرسه نشسته ام... حوصله بیرون رفتن ندارم. شاخه های درخت توت بزرگی که به دیوار مدرسه تکیه داده، خشک و بی برگ در باد تکان می خورد و با دیوار در گفت و گوی آرامی است: خا... خو... گر... گر... خا... خو... گر... گر... (همان، ج ۲: ۹۳۱)

برخی فضاسازی های داستان، حاصل بسامد بالای واژگانی مثل شب، تاریکی، غروب، سیاهی، دلهره و ترس است. فضاسازی هایی هم با استفاده از صنعت حسامیزی صورت گرفته است؛ مثل بوی خستگی، بوی آفتاب، بوی چشمان حسرت زده

۱۰-لحن و لحن پردازی:

لحن، طرز برخورد نویسنده با موضوع و خواننده است و می تواند به صورت های گوناگون خنده دار، طنز آمیز، گریه آور و یا رسمی، صمیمی و ... باشد.

لحن کلی رمان «سال های ابری» با توجه به درونمایه های آن یعنی فقر، مبارزه سیاسی و بیان مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم، لحنی جدی است؛ چراکه از وقایع تلخی سخن می گوید که گریبان انسان های آن دوره را به طرز خفقان آوری گرفته است؛ اما با نگاهی جزئی تر به حوادث رمان، می توان گونه های دیگری از لحن مثل لحن خنده آور و طنزآمیز همراه با ریشخند هم در آن یافت. لحن راوی نسبت به خواننده «صمیمی» است. به خصوص در فصل های نخستین رمان، زبان دوستانه بی بی، گیراست و شیوه بیان کودکانه شریف و نوع نگاهش به مسائل و دنیای اطراف با توجه به سن و سال او خوب پرداخته

شده و به ایجاد ارتباط صمیمانه بین خواننده و اثر کمک فراوانی کرده است؛ البته نوع زاویه دید اثر به شیوه اول شخص هم در ایجاد این لحن صمیمی تأثیر قابل توجهی گذاشته است. این صمیمیت در بیان نویسنده به سبب چنان که خود در این باره می گوید: من برخلاف نظر کسانی که می گویند ما برای خودمان می نویسیم و بس، به مخاطب نیز توجه دارم... بنابراین به فکر مخاطب بودم و سعی کردم زبانم طوری باشد که آن ها را دچار مشکل نکنم و به فرض «ریاضیات» را به جای ادبیات پیش روی آن ها قرار ندهم تا هر مخاطب بتواند با اثر ارتباط برقرار کند و پیام نویسنده را بگیرد. (شیرازی ۱۳۸۲، ۱)

عامل دیگری که در ایجاد این لحن صمیمی مؤثر است، علاقه مندی نویسنده به زبان مردم و تلاش وی برای وارد کردن عناصر زبانی آن ها در داستان های خود، همچنین استفاده از شخصیت ها و گفت و گوهایی است که برای مردم آشنا هستند.

۱۱-حقیقت ماندنی:

«سال های ابری» زمانی واقع گراست؛ بنابراین شخصی واقع انتخاب شده اند. راوی بازگو کننده دیده ها و شنیده های خود است و تجربه های زندگی خود را با ما در میان می گذارد. این رئالیسم یا واقع گرایی هنگام خواندن رمان به خوبی درک می شود. آنچه این واقع گرایی را بیشتر قابل قبول می کند آن است که شریف داوریشه با توجه به قراین و واقعیات زندگی پدیدآورنده اثر، همان علی اشرف درویشیان است و بسیاری از اتفاقاتی که برای شریف در این داستان رخ می دهد، تجربه های خود نویسنده بوده است. وی در این باره می گوید:

تجربه های زندگی، حوادثی که برایم پیش آمده و نیز مطالعه مداوم و پیگیری که داشته ام، در روند خلق داستان هایم بسیار مؤثر بوده. شما به عنوان یک نویسنده، هنگامی که با مردم و مسائل و مشکلات آن ها سر و کار داشته باشی و با رنج ها، شادی ها و سایر امور زندگی شان از نزدیک آشنا باشی، نوشتن درباره آن ها برایت ساده است. دیدن یک تصویر از زندگی می تواند تو را به نوشتن داستانی راهنمایی کند. (باژن ۲)

ورود به مسائل سیاسی از ۱۲ سالگی و شرکت در جلسات سیاسی در خانه، معلمی در مناطق کردنشین کرمانشاه (گیلان غرب و اسلام آباد) و تحصیل در دانشسرا واقعیات زندگی شخصی نویسنده اند. علاوه بر این ها آهنگر بودن پدرش، گیوه بافی مادرش، کشمکش های لفظی و جسمی میان پدر و مادرش همه مطابق با واقعیت زندگی نویسنده بوده است. نقش بی بی هم از مادر بزرگ وی، که او را با افسانه ها و داستان های قدیمی آشنا کرده، الهام گرفته شده است. بدون در نظر گرفتن پاره ای موارد «حقیقت ماندنی» در رمان موارد «حقیقت ماندنی» در رمان سال های ابری سیری منطقی طی می کند.

نتیجه گیری:

درباره رمان سال های ابری نظرهای متفاوتی بیان شده است؛ برخی منتقدین آن را فاقد ویژگی های یک رمان خوب دانسته اند و تا حد یک «سرگذشت نامه» و یا حتی «زندگی نامه» ای دست دوم تنزل داده اند و این ایراد ساختاری را درباره آن مطرح کرده اند که تلاش نویسنده برای تبدیل زندگی نامه به رمان، به دلیل کم توجهی به اصل «انتخاب» خاطره ها و «ایجاز»، بی فرجام مانده است؛ اما همانگونه که از مطالب این پژوهش برمی آید مطالعه داستان و بررسی عناصر داستانی آن به خوبی نمایان کننده ت پردازی ها در اغلب موارد به درستی جنبه های هنری سال های ابری است. شخصی صورت گرفته و احساس برقراری رابطه ای صمیمانه در مخاطب و هم ذات پنداری با شخصیت ها مؤید این مطلب است. قواعد ارائه عناصر دیگری چون

درونمایه ها، گفت و گو، حادثه، فضا سازی و... به خوبی انجام گرفته است. مهم ترین عناصر داستانی سال های ابری، «حادثه» و «درونمایه» است. می توان گفت که سال های ابری از این نظر ویژگی یک رمان خوب را داراست.

فهرست منابع

- ۱-اژن، کیوان. «تابوت هایی برای شعر وداستان» ایران. ص ۱۴، ۱۳۸۳.
- ۲-پارسی نژاد، کامران. ساختار و عناصر داستان. تهران: سوره، ۱۳۷۸
- ۳-پک، جان. شیوه تحلیل رمان. ترجمه احمد صدارتی. تهران: مرکز، ۱۳۶۶.
- ۴-دقیقیان، شیرین دخت. منشا شخصیت در ادبیات داستانی. پژوهشی در نقش پروتوتیپ ها در آفرینش ادبی. تهران: نویسنده، ۱۳۷۱.
- ۵-درویشیان، علی اشرف. سال های ابری. ۴جلد (در دو مجلد). تهران: چشمه، ۱۳۸۳
- ۶-فاستر، ای. ام. جنبه های رمان. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- ۷-لاچ، دیوید و دیگران. نظریه رمان. ترجمه حسین پاینده. تهران: نظر، ۱۳۷۴
- ۸-میرصادقی، جمال. عناصر داستان. تهران: سخن، ۱۳۷۶
- ۹-میور، ادوین. میور، ادوین. ساخت رمان. ترجمه فریدون بدره ای. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳
- ۱۰-یونسی، ابراهیم. هنر داستان نویسی. تهران: سهروردی، ۱۳۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی